

فقر اطلاعات: وجوه، ابعاد و راهکارهای مقابله با آن

صالح رحیمی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز
saleh_rahimi@yahoo.com

زاهد بیگدلی

استاد گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز
bigdeli_zahed@yahoo.co.in
تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۲/۲۲

چکیده

هدف: هدف از نگارش این مقاله بررسی مفاهیم "فقر اطلاعاتی" در جوامع بشری است.

روش: در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای، دیدگاه‌های مختلف درباره فقر اطلاعاتی، ابعاد و علل این مسأله مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

یافته‌ها: در مقایسه با وجوه مختلف فقر، فقر اطلاعاتی پیچیده‌تر است و ابعاد وسیع‌تری را در بر می‌گیرد و خود سبب تشدید سایر وجوه فقر از جمله فقر اقتصادی می‌شود. به این ترتیب فقر اقتصادی و فقر اطلاعاتی به هم مرتبط هستند.

اصالت/ارزش: این مقاله سعی در معرفی اشکال عمده فقر در جوامع امروزی دارد و بیان می‌دارد که فقر اطلاعاتی با مفاهیمی از قبیل فقیر و غنی اطلاعاتی، شکاف دیجیتالی و اضافه‌بار اطلاعاتی سروکار دارد، به‌علاوه اینکه راه‌های مقابله با آن را بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فقر اطلاعاتی، شکاف دیجیتالی، اضافه‌بار اطلاعاتی.

مقدمه

جست‌وجو برای اطلاعات مورد نیاز در دنیای مجازی به مهارت نیاز دارد. جست‌وجوی اطلاعات فعالیت اطلاعاتی و ارتباطی پیچیده‌ای است و نیازمند دستیابی به منابع مختلف اطلاعاتی برای پرداختن به مسائل شخصی، اجتماعی و کاری است. افزایش رایانه‌های شخصی و رشد اینترنت همراه با گسترش خدمات اطلاعاتی و ارتباطی برای شهروندان، دستیابی به خدمات نوین و کانال‌های بالقوه متعدد دستیابی به اطلاعات را به همراه داشته است (اسپینک و کول^۱، ۲۰۰۱). اطلاعات به‌عنوان منبع اصلی تعریف جامعه معاصر تلقی می‌شود. فقر یکی از مهم‌ترین اصطلاحاتی است که در شکل‌دهی روابط بین‌المللی از زمان ظهور توسعه اقتصادی در دهه ۱۹۴۰ و به‌عنوان عاملی در تعریف بخش‌های عظیم جهان از آن زمان به کار رفته است (راهنما^۲، ۱۹۹۲، اسکوبر^۳، ۱۹۹۵ نقل در هایدن و باودن^۴، ۲۰۰۶). از مشخصه‌های جوامع پیشرفته، میزان تولید و دسترسی این جوامع به اطلاعات جدید است. اطلاق عصر اطلاعات به دنیای کنونی بیانگر اهمیت و ماهیت اطلاعات می‌باشد.

جدای از چالش‌های سیاسی و اقتصادی، شرایط فقر اطلاعاتی در جهان، سوالات اخلاقی جدی از قبیل حق دسترسی به اطلاعات و فن‌آوری برای توسعه، نابرابری توزیع محصولات اطلاعاتی، و سطح بالای بی‌سواد اطلاعاتی جهانی را سبب شده است (بریتز و بلیگنات^۵، ۲۰۰۱). گسترش فاصله بین فقیر و غنی اخیراً به فاصله بین فقیر و غنی اطلاعاتی اشاره دارد (چتمن^۶، ۱۹۹۶).

ما در جامعه جهانی اطلاعات زندگی می‌کنیم که پیش از پیش بر خلق، دسترسی، اشتراک و به‌کارگیری اطلاعات متکی است. اطلاعات قدرت است و مهم این است که به منبع قدرت تبدیل شود. این امر در صورتی رخ می‌دهد که زیرساخت اطلاعاتی وجود داشته و افراد دارای مهارت استفاده از اطلاعات باشند (بریتز^۷، ۲۰۰۴).

با توجه به گزارش سال ۱۹۹۸/۹۹ بانک جهانی ۲۰ درصد از جمعیت جهان صاحب ۸۶ درصد از ثروت جهان، ۶۱ درصد خطوط تلفن و ۹۰ درصد دسترسی به اینترنت هستند. سرمایه سه مدیر شرکت مایکروسافت از کل دارایی‌های ۴۳ کشور فقیر جهان با بیش از ۶۰۰ میلیون نفر

1.Spink & Cole
5.Britz & Blignaut

2.Rahnema
6.Chatman

3.Escobar
7.Britz

4.Haider & Bawden

فقر اطلاعات: وجوه، ابعاد و راهکارهای مقابله با آن

جمعیت بیشتر است. فاصله بین فقیر و غنی در اثر جهانی شدن اقتصاد و استفاده از فن آوری اطلاعات در حال گسترش است (بریتز و بلیگنات، ۲۰۰۱).

فقر اطلاعاتی که به عنوان یک مفهوم اولین بار طی دهه ۱۹۵۰ به کار رفت، بر اقتصاد، توسعه فرهنگی و سیاسی - اجتماعی کشورهای جهان سوم تأثیر منفی دارد (بریتز، ۲۰۰۴). کاربرد این مفهوم در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی به دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد (هایدر و باودن، ۲۰۰۶) و با عناوینی از قبیل "نابرابری اطلاعاتی"^۱، "شکاف اطلاعاتی"^۲، "خلاء اطلاعاتی"^۳ و ترکیباتی مشابه در متون آمده است (یو^۴، ۲۰۰۶).

در جوامع امروزی فقر اطلاعاتی به‌عنوان عاملی طبیعی در زندگی روزمره محسوب می‌شود، و با فزونی اطلاعات از یک سو و سانسور و کنترل آن از سوی دیگر همراه است، و به‌عنوان مفهومی جامع تلقی می‌شود که بر افراد درون جوامع مختلف تأثیر می‌گذارد. موضوع فقر اطلاعاتی اخیراً به‌عنوان عاملی قابل بحث در جامعه اطلاعاتی و اغلب همراه با فن آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و در اشاره به شکاف دیجیتالی مطرح شده است. فقر اطلاعاتی گروه‌های متنوعی را در بر می‌گیرد. در میان این گروه‌ها افراد روستایی، طبقه کارگران، افراد مسن، زنان، بیکاران، معلولان، بی‌خانمان‌ها و اقلیت‌های نژادی قرار دارند (هایدر و باودن، ۲۰۰۷). فقر اطلاعاتی به‌عنوان شرایطی تعریف شده است که در آن افراد و جوامع در بافت خاص، فاقد مهارت‌ها، توانایی‌ها و ابزارهای لازم برای دسترسی مطلوب به اطلاعات، یا تغییر و به کارگیری بهینه آن هستند، این وضعیت بیشتر شامل فقدان اطلاعات لازم و زیرساخت اطلاعاتی مناسب است. فقر اطلاعاتی بر کیفیت زندگی تعداد زیادی از مردم جهان تأثیر دارد و دارای پیامدهای قابل توجه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است، بنابراین باید راه‌حلی برای آن یافت شود. فقر اطلاعاتی موضوعی اخلاقی است که نه تنها بر فرد/جامعه از لحاظ شأن و آزادی انسان تأثیر دارد، بلکه توانایی افراد و جوامع را برای گسترش و توسعه محدود می‌کند، به‌طوری که جوامع فقیر از نظر اطلاعات را در موارد متعدد ناتوان و وابسته می‌سازد. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون اطلاعات وجود داشته باشد. ضرورت و نیاز اولیه یک جامعه، توزیع عادلانه و فرصت دسترسی برابر به اطلاعات در میان اعضاء آن جامعه است. فقر اطلاعاتی پدیده‌ای پیچیده است

1. Information inequality

2. Information divide

3. Information gap

4. Yu

که شامل مواردی از قبیل شکاف دیجیتالی، تنوع فرهنگی و زبانی، سطح آموزش و توانایی در دستیابی و استفاده از اطلاعات می‌شود. به‌علاوه، مرز بین غنا و فقر اطلاعاتی تنها اختلاف بین جوامع و کشورها نیست، بلکه ممکن است بین افرادی که فرهنگ و فضای فیزیکی مشابهی را به اشتراک می‌گذارند نیز رخ بدهد (بریتز، ۲۰۰۴).

مفهوم فقر اطلاعاتی

به نظر عظیمی (۱۳۶۹) فقر (به‌طور کلی) در مفهوم فلسفی و عمیق خود به دو موضوع احساس نیاز و ارضاء نیاز باز می‌گردد. در این مفهوم فقر عبارت است از احساسی که ناشی از فاصله زمانی بین احساس نیاز و ارضای نیاز به انسان نیازمند دست می‌دهد. لذا چون بنا به طبیعت مفهوم احساس نیاز همیشه مقدم بر ارضای نیاز است، بدیهی است که فقر همیشه در این مفهوم عمیق در جامعه بشری وجود خواهد داشت و لذا از این جنبه، مفهومی ذهنی است. اسدی (۱۳۶۹) فقر را مقوله‌ای نسبی می‌داند، زیرا در جامعه انسانی فقر تنها در برابر وضع دیگر انسان‌ها یا خانواده‌ها، یا حتی جوامع بزرگ‌تر انسانی درک می‌شود.

کرونین^۱ (۱۹۹۵) فقر اطلاعاتی را به‌عنوان نداشتن اطلاعات و ندانستن اینکه چه گزینه‌هایی وجود دارد تعریف می‌کند. به نظر باکلی^۲ (۱۹۸۷) فقر اطلاعاتی بیانگر عدم حضور رایانه‌ها و دسترسی به اطلاعات است. افراد در آینده بدون رایانه‌ها و دسترسی به خطوط ارتباطی فقیر اطلاعات تلقی می‌شوند، مگر اینکه راه‌های دسترسی دیگری به اطلاعات به‌وسیله کتابداران ایجاد شود. چتمن (۱۹۹۶) بر این واقعیت تأکید می‌کند که فقر اطلاعاتی پدیده پیچیده اجتماعی و فرهنگی است و معادل فقر اقتصادی نیست. تپسکات^۳ (۱۹۹۵) به اهمیت آموزش تأکید دارد و عقیده دارد که فقر اطلاعاتی باید به‌عنوان مسأله‌ای مهم مورد توجه قرار گیرد. به نظر پونلیس^۴ (۱۹۹۸) فقیر اطلاعاتی می‌تواند در مورد کسانی به‌کار رود که فاقد مهارت‌های (سواد) اطلاعاتی هستند، مهارت‌هایی از قبیل توانایی تبدیل داده به اطلاعات و انتخاب از میان منابع مختلف به‌منظور تحلیل و بررسی منابع گردآوری شده برای تعیین ارتباط و صحت آن منابع، و ایجاد تمایز بین منابع اطلاعاتی (نقل در بریتز و بلیگنات، ۲۰۰۱). به‌علاوه، فقر اطلاعاتی به‌عنوان پدیده‌ای جغرافیایی از لحاظ بین‌المللی به کشورهایی که از لحاظ اطلاعاتی غنی یا فقیرند و در

1. Cronin

2. Buckley

3. Tapscott

4. Ponelis

فقر اطلاعات: وجوه، ابعاد و راهکارهای مقابله با آن

سطح ملی، به نواحی جغرافیایی روستایی و شهری تعریف شده است (چتمن، ۱۹۹۶). فقر نسبی نتیجه درآمد اندک (بریتز، ۲۰۰۴) و اغلب نقص در نظام اطلاعاتی است (اسپینک و کول، ۲۰۰۱). مفاهیم فقر و غنای اطلاعاتی با فن آوری اطلاعات و عدم دسترسی به آن همراه هستند. به گفته آگولو^۱ (۱۹۹۷) دسترسی به اطلاعات که به عنوان پیش نیاز برای تبدیل شدن به جامعه اطلاعاتی منظور شده است، به عنوان افسانه‌ای برای کشورهای در حال توسعه باقی خواهد ماند، تا زمانی که آن‌ها بر موانع رایج فائق شوند. این موانع شامل نرخ بالای بی‌سوادی، کمبود آگاهی از اطلاعات مرتبط، فقر و کمبود اطلاعات زیربنایی است.

از دیدگاه‌های فوق راجع به فقر اطلاعاتی، خصایص مشترکی حاصل می‌شود. فقر اطلاعاتی به وجود و دسترسی به اطلاعات ضروری که افراد برای توسعه به آن نیاز دارند ارتباط دارد. بین فقر اقتصادی و فقر اطلاعاتی ارتباط وجود دارد، فقر اطلاعاتی کاملاً به توانایی یا عدم توانایی فرد برای درک و تفسیر اطلاعات مرتبط است، و اگر چه فقر اطلاعاتی مسأله‌ای بین‌المللی است، اما در شرایط و بافت خاصی نمایان می‌شود. از این ویژگی‌های مشترک، فقر اطلاعاتی ممکن است به عنوان شرایط زندگی که اکثریت افراد در بافتی خاص مهارت‌ها و توانایی‌های دسترسی، تفسیر و استفاده از اطلاعات به صورت مؤثر برای توسعه را نداشته باشند، تعریف شود. چنین شرایطی هنگامی وخیم‌تر خواهد شد که زیربنای اطلاعاتی مؤثر وجود نداشته باشد. در این حالت، فقر اطلاعاتی به عنوان شکلی مؤثر از فقر که بر تمام اشکال زندگی تأثیر می‌گذارد، دیده خواهد شد (بریتز و بلیگنات، ۲۰۰۱).

سویتلند^۲ (۱۹۹۳) به فقر خودتحمیلی^۳ اشاره می‌کند. به نظر وی جامعه اطلاعاتی نوع تازه‌ای از فقر اطلاعاتی از قبیل سوگیری در مقابل کانال‌های اطلاعاتی خاص، به ویژه کتابخانه، و به صورت کلی‌تر، فرمت چاپی منابع را سبب می‌شود. این سوگیری به نوعی همواره به عنوان بخشی از ضد خردگرایی عمومی، یا لاقابل مرتبط با فقدان آموزش همراه ما بوده است. به علاوه، در دهه ۱۹۷۰، طبقه‌ای خاص از افراد تحصیل کرده، معمولاً با مهارت‌های خاص در استفاده از ابزار الکترونیکی، به سوگیری مشابهی دامن زدند.

به عقیده اسپینک و کول (۲۰۰۱) با استفاده از مدل ارتباطی منبع-پیام-کانال-گیرنده شانون^۴ (۱۹۴۹) به عنوان طرح طبقه‌بندی، پنج کانون توجه در هنگام بررسی مسأله فقر و تحویل

1. Aguolu

2. Sweetland

3. Self-imposed poverty

4. Shannon

و ارائه اطلاعات وجود دارد: کانون گیرنده، کانون توجه منبع، کانون توجه پیام، کانون توجه مانع، و کانون توجه کانال. تمرکز کانون گیرنده بر فرد فقیر به منظور مهیا کردن وی برای دریافت و پردازش اطلاعات جدیدی است که بر شرایط زندگی وی تأثیر مثبت دارد. کانون توجه منبع، بر منبع اطلاعات، هم در مقیاس وسیع، یعنی جامعه یا مؤسسه‌ای که پیام‌های اطلاعاتی را ایجاد می‌کنند، و هم در مقیاس محدود، برای مثال، در پزشکی که اطلاعات سلامت بیمار را بررسی می‌کند، تمرکز دارد. کانون توجه پیام، بر مرتبط بودن پیام یا اطلاعات تمرکز دارد تا اینکه با نیاز کاربران فقیر از نظر اطلاعاتی متناسب باشد. کانون توجه مانع، در پژوهش مانع-محور^۱، تمرکز کلی پژوهش بر تشریح موانع دسترسی به اطلاعات قرار دارد و کانون توجه کانال، به علایق سنتی علم اطلاع‌رسانی در ارزیابی ارائه خدمات کاربران در کتابخانه‌ها و دیگر مراکز اطلاع‌رسانی بر می‌گردد.

سه رویکرد اصلی نسبت به فقر اطلاعاتی وجود دارد که عبارتند از رویکرد ارتباطی به اطلاعات^۲، رویکرد محتوایی به اطلاعات^۳، و رویکرد انسانی به اطلاعات^۴ که این رویکرد بر بُعد دانش فقر اطلاعاتی تأکید دارد.

رویکرد ارتباطی به فقر اطلاعاتی، به کمبود دسترسی به فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تمرکز دارد، و بر این فرض است که رابطه‌ای علی بین وضع منابع افراد و دستیابی به اطلاعات از طریق فن‌آوری‌های اطلاعاتی وجود دارد. با توجه به رویکرد محتوایی به فقر اطلاعاتی، موجود نبودن اطلاعات با کیفیت و دسترسی اندک برای توسعه علت اصلی فقر اطلاعاتی است. نداشتن توان خرید اطلاعات مورد نیاز به وسیله افراد فقیر یک نوع فقر اطلاعاتی محسوب می‌شود.

رویکرد انسانی به فقر اطلاعاتی به استعاره ثروت/ فقر متکی نیست، بلکه بیانگر نگرش انسانی به اطلاعات است. اطلاعات به عنوان ساختاری اجتماعی که منجر به تصمیم‌گیری‌های انسانی و حل مسأله می‌شود مدنظر است. اما دسترسی صرف به اطلاعات کافی نیست، بلکه افراد باید توانایی استفاده از آن را نیز داشته باشند. این توانایی به وسیله سطح مهارت، تجربه و دیگر عوامل سنتی آن‌ها تعیین می‌شود (بریتز، ۲۰۰۴).

1. Barrier-oriented research
3. Information content approach

2. Information connectivity approach
4. Information human approach

فقر اطلاعاتی و رفتار هنجاری

فقر اطلاعاتی نتیجه تمایز بین کسانی است که به اطلاعات فراوان دسترسی آسان دارند و کسانی که نمی‌دانند چگونه و کجا اطلاعات را بیابند، و حتی شاید ارزش اطلاعات را درک نمی‌کنند و نمی‌دانند اطلاعات چگونه می‌تواند به آن‌ها در زندگی روزمره کمک کند (گولدینگ^۱، ۲۰۰۱). اگر چه فقدان دسترسی به ابزارهای خدمات اطلاعاتی عاملی آشکار در فقر اطلاعاتی است، عبارت فقر اطلاعاتی می‌تواند به دلیل کمبود پژوهش مناسب یا مهارت‌های فن‌آوری در بازیابی اطلاعات، و همچنین کمبود دستیابی به رهنمود صحیح برای بازیابی اطلاعات باشد (سویتلند، ۱۹۹۳). در جامعه اینترنت-محور، فرد می‌تواند در معرض اطلاعات فراوانی باشد، اما باز هم از نظر اطلاعاتی فقیر محسوب شود. فقر اطلاعاتی می‌تواند نتیجه وجود اطلاعات فراوان یا اندک باشد. به عنوان نتیجه، فقر اطلاعاتی هم بر فقیر اطلاعاتی و هم بر انتقال اطلاعات تأثیر داشته است (گولدینگ، ۲۰۰۱).

بریتز (۲۰۰۴) عوامل اساسی که با فقر اطلاعاتی مرتبط هستند را چنین بر می‌شمرد؛

- ❖ فقر اطلاعاتی با عدم دسترسی به اطلاعات مناسب مرتبط است؛
- ❖ فقر اطلاعاتی با عدم حضور ساختار اطلاعاتی گسترش یافته مرتبط است؛
- ❖ فقر اطلاعاتی با سطح سواد، به خصوص سواد اطلاعاتی مرتبط است؛
- ❖ فقر اطلاعاتی با نگرش نسبت به اطلاعات و ارزشی که به آن اختصاص می‌یابد مرتبط است؛
- ❖ فقر اطلاعاتی پدیده‌ای جهانی است، اما از بافتی به بافت دیگر تفاوت دارد؛
- ❖ فقر اطلاعاتی به کمبود ابزار مادی برای دسترسی به اطلاعات مرتبط است، و
- ❖ فقر اطلاعاتی نه تنها بر ظهور اقتصاد، بلکه با جوانب مهم حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز مرتبط است.

او ویژگی‌های سرمایه‌های اطلاعاتی در یک جامعه فقیر از نظر اطلاعات را "کمبود اطلاعات ضروری"، "کمبود سرمایه مادی برای پرداخت هزینه اطلاعات"، "کمبود منابع فنی و دیگر توانایی‌های دسترسی به اطلاعات"، و "کمبود سرمایه‌های فکری برای پالایش، ارزیابی و استفاده از اطلاعات" می‌داند. بنابراین، فقر اطلاعاتی تأثیری کلی بر پیشرفت افراد در تمام جوانب زندگی دارد.

علل فقر اطلاعاتی

به نظر بریتز (۲۰۰۴) فقر اطلاعاتی مفهومی چند وجهی است و بدین سبب دلایل مختلفی برای بروز آن وجود دارد. برخی از مهم‌ترین دلایل از نظر وی عبارتند از:

۱. دلایل بنیادی^۱: علت فقر اطلاعاتی فقدان دسترسی به اطلاعات لازم، هنگامی که آن اطلاعات موجود است و عدم توانایی در تعیین معنی مناسب برای آن اطلاعات می‌باشد. بانک جهانی عدم توانایی را یکی از مهم‌ترین علل فقر اطلاعاتی می‌داند. از نظر این بانک نه تنها کمبود پردازش دانش، بلکه ناتوانی در ارزیابی ارزش محصولات و خدمات نیز وجود دارد. علاوه بر این دو مورد، عامل سوم نیز وجود دارد و آن دانش درباره دانش^۲ است. این شکل از دانش به تخصص و مهارت مورد نیاز برای استفاده از فن آوری که دسترسی به اطلاعات را مهیا می‌کند، اشاره دارد.
۲. دلایل اقتصادی - اجتماعی و زیرساختی اطلاعات^۳: دلایل اقتصادی اجتماعی باید در جهانی شدن و ترکیب زندگی اقتصادی - اجتماعی جهانی جست‌وجو شود. بیش‌فرض فرایند جهانی شدن نظام سرمایه‌داری است که از اقتصاد تولید - محور به اقتصاد اطلاع - محور تغییر مسیر یافته است. در مورد دلایل زیر ساخت‌های اطلاعات، اساس کشوری که از نظر اطلاعاتی غنی محسوب می‌شود، زیرساخت مناسب اطلاعاتی توسعه یافته آن کشور می‌باشد، زیرساختی که انتقال اطلاعات را میسر می‌سازد و کتابخانه‌ها، ناشران، و کتاب‌فروشان به صورت سنتی تا اشاعه رسانه‌های جمعی و شبکه‌های الکترونیکی و ایجاد و به کارگیری سیاست‌های اطلاعاتی را در بر می‌گیرد.
۳. دلایل بافتی^۴: فقر اطلاعاتی پدیده‌ای است که در بافت تعریف می‌شود و در آن بافت، جامعه یا افراد خود را فقیر یا غنی اطلاعاتی می‌یابند. در واقع فقر اطلاعاتی هم افراد و هم جوامع را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

فقر اطلاعاتی با مفاهیم اقتصادی، شکاف دیجیتالی، اضافه بار اطلاعاتی، کمبود مهارت پردازش اطلاعات و کمبود دسترسی به اطلاعات در ارتباط است که هر کدام از این مطالب به تفکیک مطرح می‌شود.

1. Fundamental Causes

3. Socio-economic and information infrastructural causes

2. Knowledge about Knowledge

4. Contextual causes

فقر اطلاعات: وجوه، ابعاد و راهکارهای مقابله با آن

فقر اطلاعاتی و اقتصاد

پدیده وجود افراد با فقر و غنای اطلاعاتی به قدمت خود بشر است، زیرا دانش و اطلاعات و استفاده از آن به منظور برآوردن نیازهای اساسی همواره بخشی از راهبرد انسان برای ادامه حیات بوده است (بریتز و بلیگنات، ۲۰۰۱). معمولاً فقر اطلاعاتی را با ایده غنا و فقر پولی همراه می‌کنیم. جز در موارد استثناء، کسانی که استطاعت مالی ندارند تمایلی نیز به دسترسی به اطلاعات مناسب ندارند، اما عکس این قضیه صحیح نیست (سویتلند، ۱۹۹۳). فقر اطلاعاتی پدیده اجتماعی- فرهنگی پیچیده‌ای است (چتمن، ۱۹۹۶) به طوری که افراد مختلف که در محیط مشابه ساکن هستند، ممکن است به دلیل پیش‌داشتهای شخصی، تجارب و دانش، اطلاعات خاصی را به طرق مختلف تفسیر کنند. بنابراین احتمال دارد یک فرد در محیطی معین که به عنوان غنی از نظر اطلاعاتی محسوب می‌شود، و در محیطی ناشناس از نظر اطلاعاتی فقیر قلمداد شود (بریتز و بلیگنات، ۲۰۰۱).

مهم‌ترین علل فقر ملت‌ها قلت پیشرفت اقتصادی، توزیع نابرابر شدید درآمد، و کثرت بی‌رویه جمعیت است (راچ و راچ، ۱۳۵۴). فقر اقتصادی و اطلاعاتی رابطه‌ای دوسویه با هم دارند و وجود هر کدام سبب ایجاد و تشدید دیگری خواهد شد.

شکاف دیجیتالی و فقر اطلاعاتی

مفهوم شکاف بین غنی و فقیر اطلاعاتی^۱ حاصل بحث‌هایی راجع به خط‌مشی اطلاعات در ایالات متحده، و نیاز دسترسی عادلانه به منابع اطلاعات الکترونیکی است. ایده نوعی فاصله در دستیابی به فن‌آوری‌های الکترونیکی اطلاعات و محصولات، از لحاظ تاریخی به رئیس پیشین بنیاد مارکل^۲، لیوید موریسست^۳ بر می‌گردد که این پدیده را به عنوان شکاف بین دارا و ندار اطلاعات^۴ تعریف کرده است (جبرمیکائیل و جکسون^۵، ۲۰۰۶). شکاف دیجیتالی، فاصله بین کسانی است که ابزارهای مادی برای دسترسی به فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی دارند و کسانی که فاقد آن هستند (بریتز، ۲۰۰۴)، و راه علاج آن، سواد اطلاعاتی یا سواد دیجیتالی است (گولدینگ، ۲۰۰۱).

1. Information-rich & information poor

2. Markle foundation

3. Lloyd morrisett

4. The information haves and the information have-nots

5. Gebremichael & Jackson

کمبود دسترسی و مهارت پردازش اطلاعات به عنوان فقر

روش‌های زیادی برای کسب درآمد وجود دارد، اما هنوز روش‌های دسترسی به اطلاعات اندک است. فرد ممکن است فاقد مهارت‌های دسترسی باشد، به این معنی که فاقد مهارت‌های رایانه‌ای به صورت کلی باشد و یا ممکن است فاقد مهارت‌های مرتبط با سیستم عامل و نیز مهارت‌های بازیابی اطلاعات مانند استفاده از منطق بولی و واژگان کنترل‌شده مناسب باشد (سویتلند، ۱۹۹۳). این عوامل هر کدام به نوبه خود در میزان دسترسی افراد به اطلاعات و افزایش فقر اطلاعاتی مؤثر هستند.

توجه عمده به تعیین ثروت و فقر اطلاعات در توانایی دسترسی فیزیکی به اطلاعات نهفته است. دسترسی به اطلاعات می‌تواند به وسیله مجموعه‌ای از موانع فیزیکی از قبیل کمبود امکانات اقتصادی ایجاد شود. بعد از زیرساخت‌های فن‌آوری اطلاعاتی، توانایی‌های مورد نیاز برای دسترسی و استفاده از اطلاعات از قبیل توانایی فیزیکی و شناختی، کفایت فن‌آوری، سواد و مهارت زبانی را به عنوان عواملی می‌دانند که به استفاده از اطلاعات کمک می‌کند و یا مانع استفاده از آن می‌شود. دسترسی به اطلاعات و استفاده از آن می‌تواند به وسیله محدودیت‌هایی نسبت به مهارت‌های پردازشی اطلاعات از قبیل حافظه کوتاه مدت، درک حرفی یا عددی، و یا مصورسازی فضایی ایجاد شود (جایگر و تامسون^۱، ۲۰۰۴).

اضافه بار اطلاعاتی به عنوان فقر

در حالی که کمبود دسترسی می‌تواند مسأله‌ای مهم باشد، اطلاعات فراوان، یا دسترسی زیاد به اطلاعات هم می‌تواند مسأله‌ساز باشد. اضافه بار اطلاعاتی به شکل ارائه اطلاعات تکراری و بی استفاده وجود دارد. هنوز شکل بالقوه دیگری از اضافه بار اطلاعاتی در "واقعیت مجازی" نمایان است. افرادی وجود دارند که به نظر می‌رسد دوست دارند کل زندگی‌شان را صرف تماشای تلویزیون کنند، برخی از والدین انتظار دارند بچه‌هایشان تمام اوقات فراغتشان را با بازی خاصی بگذرانند. می‌دانیم که واقعیت مجازی به ما اجازه می‌دهد در خانه خرید کنیم، به ورزش اسکی بپردازیم و به سینما برویم. به ما قول داده‌اند که در صندلی راحتی خود، می‌توانیم واقعیتی

1. Jaeger & Thompson

فقر اطلاعات: وجوه، ابعاد و راهکارهای مقابله با آن

را که می‌خواهیم فارغ از دردهای زندگی واقعی ابداع کنیم. این فقر اطلاعاتی در سطحی فعال است (سویتلند، ۱۹۹۳). به دلیل وسعت مسأله اضافه بار اطلاعاتی در سال‌های اخیر عبارت جدیدی با عنوان نشانگان خستگی اطلاعات^۱ در سال ۱۹۹۶ برای تشریح طبیعت فرساینده شرایط، ابداع شد که گفته می‌شود سبب وقفه در امکانات تحلیلی، جست‌وجوهای دائمی برای اطلاعات بیشتر، افزایش اضطراب و بی‌خوابی و خود تردیدی در تصمیم‌گیری می‌شود. کسانی که از اضافه بار اطلاعاتی یا نشانگان خستگی اطلاعات رنج می‌برند در معرض خطر رنجی بسان فقیر اطلاعاتی هستند. فقیران اطلاعاتی به این دلیل که فاقد اطلاعات لازم برای کنترل کردن می‌باشند در عمل ناتوان هستند (گولدینگ، ۲۰۰۱).

نتیجه‌گیری

گسترش فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌عنوان بخشی از اقتصاد اطلاعات جهانی در پیش است. دسترسی عادلانه به اطلاعات یکی از اساسی‌ترین اصول در ظهور اقتصاد جهانی اطلاعات است (جبرمیکائیل و جکسون، ۲۰۰۶). عصر اطلاعات، که از ویژگی‌های آن جهانی شدن و نظام سرمایه‌داری و استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است، شکل جدیدی از فقر را در معرض دیدگان میلیون‌ها انسان در سراسر جهان قرار داده است. فقر اطلاعاتی به‌عنوان شکلی از فقر بر تمام حوزه‌های زندگی اشخاص و جوامع تأثیر منفی دارد و نه تنها سبب نوعی از خودبیگانگی بافتی می‌شود و بر استقلال یک فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه بیانگر آن است که جوامع فقیر اطلاعاتی وابستگی فراوانی به جوامع غنی از نظر اطلاعات برای دسترسی به فرایندهای اقتصادی اطلاعات-محور جهانی دارند. با ورود به عصر اطلاعات بُعد جدیدی به فقر اطلاعاتی افزوده شد. این ورود، به‌وسیله گسترش اطلاعات و فن‌آوری‌های ارتباطی حمایت شد. رشد بی‌وقفه فن‌آوری سبب رشد چشمگیر در صنایع دانش-محور کشورهای توسعه‌یافته شده است و فاصله بین کشورهای ثروتمند و فقیر را افزایش داده است و منجر به پیدایش عبارات کشورهای با غنای اطلاعاتی و فقر اطلاعاتی و شکاف دیجیتالی شده است.

فقر اطلاعاتی موجب بی‌نظمی و آشفتگی در جامعه انسانی است و عواقب آن تنها به طبقه فقیر یا محرومان سیاسی محدود نمی‌شود (آقابخشی، ۱۳۸۴). فقر اطلاعاتی نتیجه فقر منابع است

1. Information Fatigue Syndrome (IFS)

که در این حالت به معنی دسترسی محدود به اینترنت می‌شود. این شکل مسلم فن آوری همچنین مبحث خاصی در بحث توسعه بین‌المللی است، جایکه اطلاعات و دانش معمولاً برابر با وجود و دسترسی به فن آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است (ویلسون^۱، ۲۰۰۳).

کتابداران و دیگر مدافعان خط‌مشی اطلاعات در کشورهای غربی دریافته‌اند که فن آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی^۲ مرزهای نوینی در حوزه‌های مبادله اطلاعات و آزادی اندیشه می‌گشایند. بسیاری از سازمان‌های حرفه‌ای در اروپا و ایالات متحده خط‌مشی رسمی در رابطه با دسترسی کاربر به دانش، بدون توجه به نوع رسانه آغاز کرده‌اند. با توجه به گام‌های بزرگی که در گسترش فن آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و انطباق آن با فرهنگ عمومی برداشته شده است، ملل توسعه‌یافته از لحاظ فن آوری کار فراوانی انجام داده‌اند تا با تغییرات در دسترسی به اطلاعات همگام شوند (جبرمیکائیل و جکسون، ۲۰۰۶).

درمان فقر اطلاعاتی در مدیریت پیشرفته اطلاعات^۳ نهفته است. فاصله بین غنی و فقیر از نظر اطلاعاتی، و باسواد و بی‌سواد اطلاعاتی می‌تواند با استقرار مراکز اطلاعات عمومی کاهش یابد. این مراکز به رایانه‌های چندرسانه‌ای و نرم‌افزار مرتبط مجهز هستند تا حتی کسانی را که فاقد سواد رایانه‌ای و استفاده از موشواره و نماد تصویری^۴ هستند، توانمند سازد (هایدر و باوون، ۲۰۰۷). بنابراین چون فقر اطلاعاتی مسأله چندوجهی است به راه‌حل‌های چندگانه نیاز دارد. کمبود اطلاعات، دسترسی به آن، و ابزار تفسیر آن، باعث دور باطل خطرپذیری اندک، فعالیت‌هایی با بازگشت کم که افراد را فقیر نگه می‌دارد می‌شود. در هر جامعه در حال پیشرفت، تأکید باید بر گسترش سرمایه انسانی باشد که شامل آموزش، به‌خصوص سواد اطلاعاتی، توسعه و حمایت از دانش بومی و گسترش زیرساخت‌های مؤثر و مناسب است. این شکل از آزادسازی اقتصادی به سیاست درست، در مورد نظام آموزشی و اجتماعی، سرمایه‌گذاری در زمینه فن آوری، و استفاده درست از محیط، در چارچوب اخلاقی مناسب نیاز دارد (بریتز و بلیگنات، ۲۰۰۱). به‌طور خلاصه می‌توان گفت: فقر اطلاعاتی دارای وجوه و ابعاد مختلفی است که بسته به نوع جوامع بشری، شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و پیشرفت این جوامع از نظر

1. Wilson

2. ICT

3. Improved information management

4. icon

فقر اطلاعات: وجوه، ابعاد و راهکارهای مقابله با آن

فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، توانایی کاربران در پردازش اطلاعات و میزان دسترسی آنان به اطلاعات مورد نیاز از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در جوامع فقیر تا زمانی که نابرابری اجتماعی وجود داشته باشد فقر نیز وجود خواهد داشت، و به این قیاس می‌توان گفت تا زمانی که نابرابری اطلاعاتی وجود داشته باشد فقر اطلاعاتی نیز وجود دارد.

پیشنهادها

انجام این پژوهش با استفاده از روش‌های دیگر پژوهشی از قبیل مطالعه موردی این مسأله، در جامعه‌ای خاص می‌تواند نتایج کاربردی و ملموس‌تری به بار آورد؛ نقش کتابداران و فن‌آوری‌های نوین در کاهش فقر اطلاعاتی بدون تردید نقشی مهم و اساسی است، لذا کشورهای فقیر اطلاعاتی باید با بکارگیری دانش و فن‌آوری و آموزش کتابداران خود نقش مهم ایشان را از نظر دور ندارند؛ فقر اطلاعاتی در جوامع مختلف وجوه گوناگونی دارد، بنابراین راه‌های گذر از این مسأله در این جوامع می‌تواند متفاوت از هم باشد و نیازمند بررسی ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها است.

منابع

- اسدی، خسرو (۱۳۶۹). فقر زدایی در قالب برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی. در اولین سمینار فقر و فقرزدایی. تهران: روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.
- آقابخشی، علی (۱۳۸۴). اطلاعات و فقر اطلاعاتی. ماهنامه تراشه، سال هشتم، شماره ۳۴، صفحه ۶۵-۶۹.
- راچ، جک، ل، راچ، جانت ک. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی فقر. ترجمه احمد کریمی. تهران: امیرکبیر.
- عظیمی، حسین (۱۳۶۹). ابعاد اقتصادی مؤثر در ایجاد زمینه‌های فقر در جامعه. در اولین سمینار فقر و فقرزدایی. تهران: روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.
- هرینگتن، مایکل (۱۳۵۳). آمریکای دیگر (فقر در ایالات متحده). ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: خوارزمی.

References

- Britz, J. J. (2004). To Know or not to Know: A Moral Reflection on Information Poverty. *Journal of Information Science*, 30(3): 192-204.



- Britz, J. J. & Blignaut, J. N. (2001). Information poverty and social justice. *South African Journal of Library and Information Science*, 67(2): 63-69.
- Chatman, E. A. (1996). The impoverished life-world of outsiders. *Journal of American Society for Information Science*, 47(33): 193-206.
- Gebremichael, M. D. & Jackson, J. W. (2006). Bridging the gap in Sub-Saharan Africa: A holistic look at information poverty and the region's digital divide. *Government Information Quarterly*, 23(2): 267-80.
- Goulding, A. (2001). Information Poverty or Overload? *Journal of Librarianship and Information Science*, 33(3): 109-111.
- Haider, J. & Bawden, D. (2006). Pairing information with poverty: traces of development discourse in LIS. *New library world*. 107(9/10): 371 – 385.
- Haider, J. & Bawden, D. (2007). Conceptions of “information poverty” in LIS: a discourse analysis. *Journal of Documentation*. 63(4): 534 – 557.
- Jaeger, P. T. & Thompson, K. M. (2004). *Social information behavior* and the democratic process: information poverty, normative behavior. And electronic government in the United States. *Library and Information Research*, 26(1): 94-107.
- Spink, A. & Cole, C. (2001). Information and poverty: Information-seeking channels used by African American low-income households. *Library and Information Science Research*, 23(1): 45-65
- Sweetland, J. H. (1993). Information poverty--let me count the ways. *Database Magazine*, 16(4): 8-10.
- Wilson, M. (2003). Understanding the international ICT and development discourse: assumptions and implications. *The South African Journal of Information and Communication*, Vol. 3, Retrieved 14 August 2008 from:
<http://www.sajic.org.za/index.php/SAJIC/article/view/SAJIC-3-6/78>
- Yu, L. (2006). Understanding information inequality: making sense of the literature on information and digital divides. *Journal of Librarianship and Information Science*, 38(4): 229-52.

به این مقاله این گونه استناد کنید:
 رحیمی، صالح؛ بیگدلی، زاهد (۱۳۸۹). فقر اطلاعات: وجوه، ابعاد و راهکارهای مقابله با آن. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۶ (۱)، ۱۷۱-۱۸۴.